



بهترین مقیاس، برای مقایسه کرمانشاه دیروز با امروز، شنیدن اوصاف امام جمعه شهید این خطه و کارها و فعالیت‌ها و شخصیتش از زبان یکی از دو پرچم‌دار اصلی این شهر در میان علمای غرب کشور است. آیت‌الله مصطفی علما که در زمان شروع نهضت خمینی کبیر (ره)، نوجوان بوده است، خاطرات و شناخت خوبی از چهارمین شهید محراب، چه در دوران مبارزه و چه در زمان بعد از انقلاب در سینه دارد.

## صادق، سالم، با اخلاص بود و درد دین داشت...

■ امام جمعه دیروز از زبان امام جمعه امروز کرمانشاه در گفت‌وگو و شنود شاهد یاران با آیت‌الله مصطفی علماء

مستقیماً به قم رفتم، از آن‌ها اطلاعاتی داشتیم و با آقازاده‌های ایشان آشنا بودیم. شهید اشرفی اصفهانی، یک انسان منزه و مهذب بود و خیلی طمأنینه و آرامش داشت که مردم واقعا دوستش داشتند. تمام وجودش صداقت و سلامت بود.

اگر ممکن است راجع به نقش محوری آیت‌الله اشرفی اصفهانی در مبارزات سیاسی قبل از انقلاب، توضیح بفرمایید.

مقر انقلاب در کرمانشاه، یکی مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی و یکی هم مسجد شهبازخان مرحوم آیت‌الله حاجی آخوند بود. این دو مرکز، تقریباً محل رفت و آمد و حضور مبارزان بود، مخصوصاً مرحوم آقای حاجی آخوند که بعد از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی - از همان وقت - حضرت امام (ره) را در کرمانشاه مطرح کردند. یکی ایشان و یکی هم مرحوم آیت‌الله فهری بودند که از طرف حضرت امام (ره) در سوریه بودند - این‌جا به آقای سید احمد زنجانی معروف بودند چون اصالتاً هم زنجانی بودند - بعد به تهران رفتند و آن‌جا هم مدتی اقامه جماعت داشتند و از دوستان مرحوم حاج آقا مصطفی - آقازاده حضرت امام (ره) - بودند. این دو نفر؛ مرحوم حاجی آخوند و آقای فهری - که در مسجد جامع نماز می‌خواند و آن‌جا را آباد کرد - ارجاع به امام می‌دادند، چون مرحوم حاجی آخوند شاگرد امام

شد که البته آن زمان من حدود چهارده، پانزده سال سن داشتم و به دبیرستان می‌رفتم. این آقایان که آمدند فضای شهر عوض شد، مخصوصاً زمانی که ایشان تازه آمده بودند - در یک مقطع زمانی - مرحوم آقای فلسفی به مدرسه آیت‌الله بروجردی آمدند و یک دهه

**مقر انقلاب در کرمانشاه، یکی مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی و یکی هم مسجد شهبازخان مرحوم آیت‌الله حاجی آخوند بود. این دو مرکز، تقریباً محل رفت و آمد و حضور مبارزان بود، مخصوصاً مرحوم آقای حاجی آخوند که بعد از رحلت آیت‌الله العظمی بروجردی - از همان وقت - حضرت امام (ره) را در کرمانشاه مطرح کردند.**

منبر رفتند. بعد از مرحوم آقای فلسفی، آقای انصاری آمد و ایشان هم یک دهه منبر می‌رفت. با این‌که به دبیرستان می‌رفتم، گاهی به مدرسه علمیه نیز سر می‌زدم و با طلبه‌ها حشر و نشر داشتم. از نزدیک مرحوم حاج آقا عطاءالله را می‌دیدم و می‌شناختم، در نماز ایشان هم شرکت می‌کردم. بعد هم که از دبیرستان

شما در همین شهر کرمانشاه بود که نخستین بار آقای اشرفی اصفهانی را دیدید؟

بله، آشنایی ما با مرحوم آیت‌الله اشرفی اصفهانی از همان زمانی بود که ایشان به دستور مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به کرمانشاه آمدند. ایشان با دو شخصیت بزرگ دیگر به نام مرحوم آیت‌الله سدهی و آیت‌الله حاج شیخ عبدالجواد جبل‌عاملی که هر سه شخصیت‌های بزرگی بودند، بعد از تأسیس مدرسه علمیه که به امر و دستور آیت‌الله بروجردی ساخته شده بود، با شصت طلبه از قم اعزام شدند و در کرمانشاه ماندند. مرحوم امام‌سدهی مدتی بودند و دوباره به قم برگشتند، مرحوم شیخ عبدالجواد جبل‌عاملی هم همین‌طور، فقط مرحوم حاج آقا عطاءالله اشرفی در کرمانشاه ماندند و تدریس داشتند و امامت مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی را به‌عهده و به مرور زمان مورد توجه مردم و عنایت علما قرار گرفتند.

بعد از ارتحال مرحوم آقای بروجردی، - یعنی نهضت از سال ۱۳۴۲ - نهضت و انقلاب شروع شد که از همان وقت مرحوم آیت‌الله اشرفی اصفهانی در مبارزات و قضایای سیاسی حضور داشتند و تقریباً نماز ایشان، محل درس‌شان و مدرسه مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی یکی از مراکز انقلاب به شمار می‌رفت. حقیقتاً در مواقع حساس هم ایشان حضور جدی داشتند. آشنایی دقیق‌تر ما، از همان وقت آغاز

که خودشان داشتند.

گویا پس از شهادت ایشان، دو نفر از بزرگواران، مدتی آیت‌الله جنتی و سپس آیت‌الله موحدی کرمانی امامت جمعه کرمانشاه را برعهده داشته‌اند؟

آقای جنتی که مدت خیلی کوتاهی بودند و آقای موحدی کرمانی هم به‌عنوان امام جمعه کرمانشاه حکم داشت که مدتی هم این‌جا بود و ما هم از قم برای این‌که اگر ایشان کاری داشته باشد و کمکی بخواهد، اگر از ما کاری ساخته باشد انجام دهیم، مدت کوتاهی در خدمت ایشان آمدیم که بعد برنامه شکل دیگری به خود گرفت.

**شما خاطره شخصی‌ای هم از شهید اشرفی دارید؟**

گاهی اگر اعیاد در کرمانشاه بودم، به منزل ایشان می‌رفتم یا گاهی به مدرسه. به‌علاوه، وقتی به قم می‌آمدند نیز به دیدن ایشان می‌رفتم. اجمالاً مردی بسیار ملایم، آرام بود و همان‌طور که امام فرمودند واقعا آزارش به کسی نمی‌رسید و روحاً آدم آرامی بود.

**ایده ایشان راجع به ولایت فقیه چه بود؟**

واقعا مطیع و گوش به فرمان امام بود و تمام منویات امام را دنبال می‌کرد، بعد از انقلاب شاید هم شدیدتر شد.

**تأثیر شهادت آیت‌الله اشرفی اصفهانی، بر کرمانشاه و مردم آن‌جا چه بود؟**

شهادت ایشان، برای مردم بسیار سنگین و سخت بود، اما این شهادت‌ها اثرات خیلی عالی‌ای هم داشت، یعنی مردم را مقاوم‌تر و ثابت قدم‌تر می‌کرد. تحلیل منافقین این بود که دست و بال امام زده می‌شود، اما شعور درک این معنا را نداشتند که مردم محکم‌تر می‌شوند و عاقبت جای این‌ها هم پر می‌شود. بحمدالله، الان هم کرمانشاه در وضع و موقعیت خوبی است و امور، اداره و مدیریت می‌شود و مسأله خاصی در بین نیست. ■

**علت محبوبیت آیت‌الله اشرفی اصفهانی این بود که واقعا آدم صادق، سالم و با اخلاصی بود، درد دین داشت و متدین بود، همراه با امام و انقلاب بود. آدم متقی‌ای بود که تقوایش مورد تأیید همه علما و مردم بود. این جاذبه‌ها را داشت، علمیت خوبی داشت که طلاب از او استفاده می‌کردند.**

این‌ها جمع کند و قضا یا را مدیریت کند، وگرنه مسأله خاصی ندارد. در هر جای ایران، یک‌سری از این مسائل و نیز بحث فرق وجود دارد. نقش اساسی، آن مدیریت کار است که چگونه مدیریت بشود. از سابق هم علمای بزرگ کرمانشاه به همین حالت مدیریت می‌کردند و هیچ تنش و مشکلی هم نبود.

**در آن مقطع خاص، آیت‌الله اشرفی چقدر از عهده این کار برآمد؟**

ایشان خوب مدیریت کرد و از عهده کار برآمد. همین شهادتش دلیل بر این است که نافذ و مؤثر بوده، چون آن وقت منافقین یکی از سیاست‌هایشان این بود که دست و بال امام را قطع کنند و دست و بال حضرت امام نیز همین این بزرگان بودند. پشتوانه امام شخصیت‌های این‌چنینی بودند، لذا سعی‌شان بر این بود که دست این‌ها را کوتاه کنند و به شهادت‌شان برسند.

**واقعا انگیزه منافقین از به شهادت رساندن این پیرمرد هشتاد ساله که امام فرمودند آزارش به موری هم نمی‌رسید، همین بوده است؟**

بله، واقعا هم همین‌طور بود. یک پشتوانه‌ای بود؛ پشتوانه علمی، فکری، مذهبی و تقوایی، قابل قبول برای عامه مردم و علمای شهر که این‌ها امتیازات خوبی است و منافقین کوردل، می‌خواستند این امتیازات را قطع کنند و از بین ببرند؛ با آن تحلیلی

هم بودند و در کرمانشاه امام را بر سر زبان‌ها انداختند و مطرح کردند. خیلی‌ها هم از همان وقت متوجه امام بودند و مقلد ایشان شدند. آن موقع، حضرت امام حدود شصت و یکی، دو سال سن داشتند و در کم‌تر جایی مطرح بودند؛ عمدتاً بین فضلا و در خود قم مطرح بودند. از آن وقت، حضرت امام توسط این دو بزرگوار - و بعد هم مرحوم اشرفی اصفهانی - مطرح شدند.

**علت این‌که آقایان امام‌سدهی و جبل‌عاملی، پس از مدت کوتاهی، از کرمانشاه برگشتند و آیت‌الله اشرفی اصفهانی مدتی طولانی در آن شهر ماندند، چه بود؟**

مرحوم آقای امام‌سدهی و مرحوم حاج شیخ عبدالجواد، چون آیت‌الله بروجردی امر کرده بودند، نمی‌خواستند امر ایشان را زمین بگذارند، لذا اطاعت کردند اما روحاً حالت‌شان، حالتی نبود که با مردم باشند و عمدتاً کارهای علمی می‌کردند و فضای‌شان، فضای حوزوی بود. به همین دلیل نتوانستند تحمل کنند و این‌جا بمانند، و رفتند. مرحوم آیت‌الله اشرفی هم یکی، دو مرتبه رفتند به قم تا دیگر نیابند، اما مردم دوباره آقای اشرفی را به اصرار به کرمانشاه برگرداندند.

**چرا ایشان، این‌قدر در نزد مردم کرمانشاه محبوب بودند؟**

علت محبوبیت آیت‌الله اشرفی اصفهانی این بود که واقعا آدم صادق، سالم و با اخلاصی بود، درد دین داشت و متدین بود، همراه با امام و انقلاب بود. آدم متقی‌ای بود که تقوایش مورد تأیید همه علما و مردم بود. این جاذبه‌ها را داشت، علمیت خوبی داشت که طلاب از او استفاده می‌کردند. این مجموعه باعث محبوبیت ایشان بود. زمان انقلاب هم که رسید، چون از لحاظ سنی از همه بزرگ‌تر و مورد قبول همه بود، حضرت امام به ایشان حکم امامت جمعه دادند و بدین صورت آقای اشرفی اصفهانی در رأس همه علما قرار گرفت و مطرح شد. این مسأله، کم‌سابقه است که در زمان جنگ یک پیرمرد هشتاد و چند ساله لباس بسیجی بپوشد، چون آن وقت‌ها، این موضوع خیلی برای تشویق نسل جوان مهم بود و در فضا سازی، بسیار کار با اهمیتی بود و معمولاً علما به این سرعت وارد این‌گونه کارها نمی‌شوند که مثلاً لباس روحانیت را در بیاورند و لباس بسیجی بپوشند؛ این کم‌تر اتفاق می‌افتد. مطلب برای شهید اشرفی اصفهانی، خیلی روشن بود و آن چیزی که به مصلحت نظام، امام، جنگ، جبهه، جهاد، بسیج و... بود، پس این لباس را پوشید، با آن عمامه‌ای که بر سر داشت که این خیلی مهم است. در آن فضای ملبس بودن به لباس روحانیت و مقطع خاص، سن و سال و موقعیتی که ایشان داشتند خیلی با ارزش بود؛ این‌طور فداکاری می‌کرد. قهراً این‌ها برای مردم جاذبه دارد و به سمت این بزرگان کشش پیدا می‌کنند.

**در صحبت‌هایی که با بزرگوارانی مثل شما کرده‌ایم، شنیده‌ایم که به دلیل وضعیت خاص کرمانشاه - از نظر وجود فرق مختلف مذهبی و اهل سنت - امامت جمعه از ویژگی خاصی برخوردار است. در این باره توضیح دهید.**

این‌جا مدیریتی می‌خواهد که بتواند بین همه

